





ریشه های مادی گرایی در قرآن و روایات

نگارش

فروتن خسروی

استاد راهنما: دکتر زهرا کاشانیها

استاد مشاور: دکتر علی اکبر شایسته نژاد

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

دورشته علوم قرآن و حدیث

تقدیر

حمد و سپاس خدای را که هر چه داریم همه از لطف بیکران اوست.
لازم می‌دانم از همهی دوستان و عزیزانی که در گردآوری این مجموعه مرا از مساعدت
خالصانه‌ی خویش بهره‌مند نمودند - به خصوص اساتید گرانقدر راهنما و مشاور خانم
دکتر کاشانیها و آقای دکتر شایسته نژاد - صمیمانه تقدیر و تشکر بنمایم. از همسر
گرامی و فرزند عزیزم که در این راه مشوقم بوده و متحمل زحمات گردیدند نیز قدر
دانی نموده و از منعم بی‌منت برای همگان حسن عاقبت مسئلت دارم.

چکیده

مقدمه‌ی مطالعه در زمینه‌ی بعد مادی‌گرایی انسان به علت گرایش به امور دنیوی همواره مطرح بوده و قدمت آن به یونان باستان می‌رسد، در صدر اسلام نیز این مسأله مطرح بوده است. غالب پژوهشگران با نگاه فلسفی آن هم از نوع غربی و رایج در دنیای مسیحیت به آن نگرسته‌اند. نظرات اندیشمندان مختلف در قالب کتب تفسیری، اخلاقی و مقالات مستقل عرضه شده است. امتیاز این پژوهش، مبتنی بودن آن بر قرآن و روایات می‌باشد.

هدف از این نگارش دستیابی به یک قضاوت صحیح و جامع از مادی‌گرایی است. نوع تحقیق بنیادی و روش آن تحلیل محتواست که پس از توصیف آرای صاحب‌نظران به تحلیل و نقد آن پرداخته است. از جمله نتایج آن عبارتند از این که: مادی‌گرایی از نظر روحانی و جسمانی دارای انگیزه‌ها و ریشه‌های پیدا و پنهانی است که تأثیر محیط بر آن قابل انکار نیست و گرایش انسان به امور مادی موافق نیازهای طبیعی و نوع خلقت او است، زیرا صانع حکیم گرایش به امور مادی را برای دستیابی به اهداف متعالی در انسان قرار داده است و کیفیت مواجهه‌ی انسان با این گرایش‌ها در جهت مثبت یا منفی می‌تواند در تعیین سرنوشت او مؤثر باشد.

کلید واژه ها: مادی‌گرایی - قرآن - روایت - اخلاق - الهیون

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول طرح مسأله
۲	۱-۱- مقدمه
۲	۲-۱- بیان مسأله
۳	۳-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق
۴	۴-۱- اهداف تحقیق
۴	۵-۱- پرسش‌های تحقیق
۵	۶-۱- سوابق پژوهشی موضوع
۶	۷-۱- بیان روش و مراحل انجام کار
۶	۸-۱- معنای لغوی و کاربردی واژگان
۶	۱-۸-۱- معنای لغوی
۸	۲-۸-۱- معنای اصطلاحی
۸	۱-۲-۸-۱- مادی‌گرایی در اصطلاح عام
۹	۲-۲-۸-۱- مادی‌گرایی در اصطلاح علمای تفسیر
۱۰	۳-۲-۸-۱- مادی‌گرایی در اصطلاح علمای اخلاق
۱۰	۴-۲-۸-۱- مادی‌گرایی در اصطلاح فلاسفه
۱۲	۹-۱- سابقه‌ی تاریخی مادی‌گرایی
۱۳	۱-۱۰-۱- انواع مادی‌گرایی
۱۳	۱-۱۰-۱- مادی‌گرایی مکتبی یا اعتقادی
۱۴	۲-۱۰-۱- مادی‌گرایی غیرمکتبی یا اخلاقی
۱۵	۳-۱۰-۱- ارتباط مادی‌گرایی اعتقادی و اخلاقی
۱۶	۴-۱۰-۱- انواع مادی‌گرایی اخلاقی
۱۷	۱-۴-۱۰-۱- مادی‌گرایی آشکار
۱۸	۲-۴-۱۰-۱- مادی‌گرایی پنهان
۲۱	۳-۴-۱۰-۱- معیار تمیّز

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲۲	۱۱-۱- ماهیت طبیعت انسانی
۲۲	۱۱-۱-۱- طبیعت انسانی از دیدگاه مادی گرایان
۲۲	۱۱-۱-۱-۱- نقد این دیدگاه
۲۴	۱۱-۲- طبیعت انسانی از دیدگاه اسلام
۲۵	۱۱-۲-۱- بررسی فطری یا طبیعی بودن گرایشهای مادی
۲۸	۱۲-۱- نتیجه گیری
۳۰	فصل دوم مادی گرایی در آیات و روایات
۳۱	۱-۲- مقدمه
۳۱	۲-۲- مادی گرایی در آیات قرآن کریم
۳۱	۱-۲-۲- اشارات مستقیم آیات قرآن به مادی گرایی
۳۴	۲-۲-۲- اشارات غیر مستقیم آیات قرآن به مادی گرایی
۳۷	۳-۲- مادی گرایی در احادیث و روایات
۳۸	۱-۳-۲- در مذمت دنیا طلبی و فضیلت زهد ورزی
۴۰	۲-۳-۲- در اوصاف نکو هیله‌ی برگرفته از مادی گرایی
۴۲	۳-۳-۲- در مدح و ستایش دنیا و سرزنش اعراض کنندگان آن
۴۳	۴-۳-۲- نقش مادیات (تغذیه) در اخلاقیات و ملکات نفسانی
۴۵	۴-۲- نتیجه گیری
۵۸	فصل سوم ریشه‌ها و انگیزه‌های مادی گرایی
۴۸	۱-۳- مقدمه
۴۹	۲-۳- ریشه‌ها و انگیزه‌های روحی روانی یا امور ذاتی
۴۹	۱-۲-۳- ریشه‌ها و انگیزه‌های مثبت
۴۹	۱-۱-۲-۳- فطری بودن سعادت طلبی
۵۱	۲-۱-۲-۳- فطری بودن کمال طلبی
۵۲	۳-۱-۲-۳- فطری بودن عزت طلبی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵۴	۳-۲-۱-۴- فطری بودن حبّ ذات و حبّ بقاء
۵۷	۳-۲-۲- ریشه‌ها و انگیزه‌های منفی
۵۷	۳-۲-۱- هوای نفس
۵۹	۳-۲-۲- جهل یا نقص معرفت
۶۱	۳-۲-۳- غفلت از اهداف متعالی
۶۲	۳-۲-۳- وجه تمایز ریشه‌ها و انگیزه‌های مثبت و منفی
۶۲	۳-۲-۴- ریشه‌ها و انگیزه‌های دو وجهی
۶۳	۳-۲-۱- فقر ذاتی (نیاز)
۶۴	۳-۲-۴- فطری (طبیعی) بودن مادّی گرایی
۶۵	۳-۲-۳- منفعت طلبی و رنج‌گریزی
۶۶	۳-۳- ریشه‌ها و انگیزه‌های جسمانی
۶۶	۳-۱- ارضای غرایز جسمانی
۶۷	۳-۲- رابطه‌ی تغذیه و مادّی گرایی
۶۹	۳-۴- انگیزه‌های محیطی
۷۰	۳-۴- یادآوری
۷۱	۳-۴- شبهه‌ی جبر محیط
۷۴	۳-۴- نظر نگارنده
۷۴	۳-۵- نتیجه‌گیری
۷۵	فصل چهارم آثار مادّی گرایی
۷۶	۴-۱- مقدمه
۷۷	۴-۲- آثار فردی مادّی گرایی
۷۷	۴-۲-۱- نقش مادّی گرایی در سعادت انسان
۷۸	۴-۲-۱- مادّیات وسیله نه هدف
۷۸	۴-۲-۱-۲- مادّیات ، فرصتی برای امتحان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۸۱	۳-۱-۲-۴- مادّیات، بستری برای معنویات
۸۱	۱-۳-۱-۲-۴- نقش غیر مستقیم مادّیات در معنویات
۸۲	۲-۳-۱-۲-۴- نقش مستقیم مادّیات در معنویات
۸۴	۲-۲-۴- نقش مادّی گرایی در شقاوت انسان
۸۴	۱-۲-۲-۴- بستری برای گناهان
۸۵	۱-۱-۲-۲-۴- نقد و بررسی
۸۶	۲-۲-۲-۴- ممانعت از عبادت و بندگی
۸۷	۳-۲-۲-۴- غفلت زایی و ضعف اعتقادات
۸۹	۴-۲-۲-۴- تقابل مادّی گرایی با معاد
۹۳	۵-۲-۲-۴- محرومیت از فضایل و ابتلا به رذایل اخلاقی
۱۰۰	۶-۲-۲-۴- خودفراموشی
۱۰۲	۷-۲-۲-۴- موجبات رنج دنیوی و عذاب اخروی
۱۰۵	۸-۲-۲-۴- سوء عاقبت
۱۰۵	۹-۲-۲-۴- ممانعت از دست یابی به حقایق
۱۰۶	۳-۴- آثار اجتماعی مادّی گرایی
۱۰۷	۴-۴- نتیجه گیری
۵۸	فصل پنجم جمع بندی و نتیجه گیری
۱۰۹	۱-۴- مقدمه
۱۰۹	۲-۴- مادّی گرایی به صورت بحث مستقل
۱۱۱	۳-۴- مادّی گرایی به صورت بحث فرعی
۱۱۳	۴-۴- جمع بندی دیدگاه ها
۱۱۴	۵-۴- نتیجه گیری
۱۱۵	۶-۴- پیشنهادها
۱۱۶	۷-۴- محدودیتها
۱۱۷	۸-۴- منابع و مآخذ
	۹-۴- چکیده انگلیسی

فصل اوّل
طرح مسأله

۱-۱- مقدمه

مادّی‌گرایی همواره در میان صاحب‌نظران حوزه‌های گوناگون انسان‌شناسی، مورد توجه بوده است و از جمله موضوع‌هایی است که هم در میان علمای اخلاق و تفسیر و هم در میان فلاسفه مطرح می‌باشد. به علت نقش برجسته‌ای که در سرنوشت انسان دارد؛ در متون دینی گاه با همان لفظ مادّی‌گرایی و گاه با الفاظی که مفهوم آن را می‌رساند به این موضوع پرداخته شده است و رهبران دینی نیز به تبیین آن همّت گماشتند؛ مثلاً در دین مبین اسلام هنگامی که از الفاظی مانند دنیاطلبی؛ دنیا پرستی، هوا پرستی و در مقابل آن زهد، انفاق و ایثار سخن به میان می‌آید، به نوعی همان مفهوم مادّی‌گرایی را مدّ نظر قرار می‌دهد.

از جهت دیگر طرفداران اندیشه‌ی مادّی‌گرایی در مقاطع مختلف زمانی با الفاظی مانند: مادّیون، دهریون و ماتریالیست‌ها شناخته می‌شدند که برای دست‌یابی به هدف پژوهش این کلمات فقط معنا می‌شوند و به اصل موضوع یعنی ریشه‌ها، انگیزه‌ها و مادّی‌گرایی در آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) و تأثیرات آن در زندگی انسان پرداخته می‌شود.

۱-۲- بیان مسأله

مادّی‌گرایی موضوعی است که همه‌ی انسان‌ها به دلیل وجود بعد مادّی انسان با شدّت و ضعف با آن درگیر هستند. به همین دلیل پیوسته توجه صاحب‌نظران را به خود جلب کرده است، و از جنبه‌های گوناگون به آن پرداخته‌اند. از جنبه‌ی فلسفی با تعبیری چون منکران و ملحدان، دهریون و گاه زنادقه آمده است و از جنبه‌ی اخلاقی با عباراتی چون دنیا طلبی، دنیاپرستی و در مقابل آن، از زهد و پارسایی تعبیر شده است.

مادّی‌گرایی که سابقه‌ای دیرینه دارد و در صدر اسلام نیز رواج داشته است؛ در برهه‌ای از زمان به صورت یک مکتب فکری مطرح شده و توسط برخی از صاحب‌نظران مورد نقد و بررسی قرار گرفته

است؛ ایشان عواملی را که موجب شکل گیری آن مکتب شده است را نقادی کرده و غالباً همان عوامل یا عوامل محیطی را موجب مادی گرایی انسان عنوان کرده‌اند. (مطهری، ۱۳۸۹، ص. ۲۳۷)

عده‌ای دیگر نیز با استناد به قرآن و روایات *علّة‌العلل* مادی گری را بیش از عوامل جبری محیط دستاورد خود انسان دانسته‌اند. (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۵، ص. ۳۷۸)

در برخی تفاسیر یکی از علل مادی گرایی محسوس و نقد بودن دنیا و مشتقاتش عنوان شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳۰، ص. ۹۷۲)

مدعیان مکتب ماتریالیسم (مادی گرایی)، مادی، محسوس و آزمایش پذیر بودن امور مادی را حمل بر علمی بودن دیدگاه خود دانسته و منکر امور ماوراء ماده شده‌اند، که با پاسخ بزرگان و مدافعان دیدگاه الهی بطلان آن عیان است. (سبحانی، بی تا، ص. ۲۴ و ۲۵) که تکیه ما بر بعد فلسفی آن نیست بلکه جنبه‌ی علمی، کاربردی و اخلاقی موضوع به خصوص ریشه‌یابی آن، مورد نظر است.

برخی مادی گرا بودن انسان را با توجه به مولود طبیعت بودن او طبیعی دانسته‌اند. (خمینی، ۱۳۷۶، ص. ۱۲۲) حال آن که برخی مدعی‌اند انسان بالطبع نمی‌بایست گرایش مادی پیدا کند و مادی گرایی یک جریان مخالف طبیعت و فطرت است. (مطهری، ۱۳۸۹، ص. ۵۷) که هر کدام به نوبه‌ی خود در خور تأمل و تفکر است.

آنچه را ما می‌خواهیم در این پژوهش تبیین کنیم استخراج ریشه‌هایی است، که در گرایش اعتقادی و اخلاقی انسان به امور مادی نقش اساسی دارند. که با بررسی آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) و مذاقه در دیدگاه‌های صاحب نظران و تطبیق و تحلیل آن‌ها، به این پژوهش پرداخته شده است. بنابراین پس از بررسی‌های انجام شده این نگارش در پی پاسخ به سؤالات زیر است:

ریشه‌های مادی گرایی در آیات و روایات چیست؟

ریشه‌های مادی گرایی به چه عواملی بستگی دارد؟ سهم محیط خلقت و امور ذاتی انسان در آن چیست؟

انواع مادی گرایی از نظر صاحب نظران چیست؟

با وجود تفکر الهی در نظر و ادعا، رفتارهای مادی گرایانه چگونه قابل توجیه است؟

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

موضوع مادی گرایی نقش تعیین کننده‌ای در سعادت یا شقاوت انسان دارد و در هر کدام از حوزه‌های اعتقادی و اخلاقی می‌تواند موجب محرومیت انسان از دست‌یابی به ارزش‌های الهی انسانی، رشد و تعالی او گردد؛ و گاه موجب سقوط از درجه‌ی انسانیت و در نهایت خسران واقعی او گردد. که بی‌تردید دین جامع و حیات بخش اسلام در تعالیم خود ریشه‌های این مسیر انحرافی را تبیین نموده است.

از جهتی دیگر چنان‌که بزرگان حوزه‌ی انسان‌شناسی گفته‌اند؛ بررسی‌های علمی برای تحصیل معرفت درباره بُعد مادی حیات از دیدگاه اسلام ضروری است و اهمیّت این بعد از این روست که میدان فعالیت بُعد روحی انسان است و با هر خللی که به بُعد مادی حیات وارد می‌شود، به همان اندازه بُعد روحی حیات مختل می‌گردد که تأثیر و تأثر بُعد مادی و روحی حیات به گونه‌ایست که در کلام دانشمندان اسلامی با نظر به منابع اسلامی با بیاناتی نظیر سوار و مرکب، پرنده و قفس و... آمده است. (جعفری، ۱۳۸۹، صص. ۱۲۶ و ۱۲۷)

بنابراین نیاز به ارائه‌ی یک مجموعه‌ی نسبتاً منسجم از انگیزه‌ها و ریشه‌های مادی‌گرایی ضروری به نظر می‌رسد. چیزی که به خصوص از جنبه‌ی ریشه‌های روحی، روانی و جسمانی کم‌تر به آن پرداخته شده است، یا حداقل به صورت یک مجموعه‌ی واحد و انسجام یافته وجود ندارد. لذا پراکندگی عوامل مختلف این گرایش در آثار مفسران و صاحب‌نظران برای استفاده کنندگان موجب دشواری و عدم دستیابی به نتیجه‌ی مطلوب می‌باشد. نگارنده برآن است تا در این رساله ضمن پاسخ‌گویی به پرسش‌های مطروحه در این حوزه به ریشه‌یابی آن از جنبه‌های گوناگون در آیات و روایات و آثار مفسران و صاحب‌نظران بپردازد و با مرتفع نمودن خلأ مذکور، مجموعه‌ای نسبتاً دقیق و منسجم ارائه نماید.

۱-۴- اهداف تحقیق

- ۱- آشنایی با آیات و روایات تبیین‌کننده‌ی ریشه‌های مادی‌گرایی
- ۲- آشنایی با آراء صاحب‌نظران در مورد علل یا ریشه‌های مادی‌گرایی
- ۳- بررسی و شناخت رابطه‌ی انگیزه‌های روحانی و جسمانی انسان، در گرایش او به مادیات
- ۴- شناخت انواع مادی‌گرایی در انسان
- ۵- تبیین نقش مادی‌گرایی در سعادت یا شقاوت انسان
- ۶- شناخت معیار تمیز مادی‌گرایی اعتقادی از مادی‌گرایی اخلاقی

۱-۵- پرسش‌های تحقیق

- ۱- کدام دسته از آیات و روایات ریشه‌های مادی‌گرایی را بیان می‌کنند؟
- ۲- در تبیین ریشه‌های مادی‌گرایی میان صاحب‌نظران چه نقاط اشتراک و افتراقی وجود دارد؟
- ۳- چه رابطه‌ای میان انگیزه‌های جسمی و روحی انسان و مادی‌گرایی او وجود دارد؟

- ۴- انواع مادی گرایی در انسان‌ها چیست؟
- ۵- مادی گرایی انسان چه رابطه‌ای با سعادت یا شقاوت او دارد؟
- ۶- چگونه می‌توان مادی گرایی اعتقادی را از مادی گرایی اخلاقی تمیز داد؟

۱-۶- سوابق پژوهشی موضوع

۱-۶-۱- پایان نامه‌ها:

- ۱- شهریاری، قنبر، توصیف دنیا در قرآن، کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی فسا، ۱۳۷۹
- ۲- طالقانی اصفهانی، سید محمود، پژوهشی پیرامون دنیا از دیدگاه قرآن و روایات، کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، مرکزی، ۱۳۷۵
- ۳- رجبی، اعظم، فلسفه‌ی آفرینش از دیدگاه قرآن، کارشناسی، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران
- ۴- صداقت، محمدرضا، آثار فردی اجتماعی حبّ دنیا از نظر قرآن و روایات، کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱
- ۵- ناصحی، محمد حسین، دنیا از دیدگاه قرآن، کارشناسی ارشد، تربیت مدرس حوزه‌ی علمیه قم، ۱۳۷۳

۱-۶-۲- مقالات:

- ۱- صالحی، نادعلی، معنویت گرایی در نهضت امام خمینی، حضور، بهار ۱۳۸۲، شماره ۴۴
- ۲- فقیه، حسین، دنیا گرایی و دنیانگری از دیدگاه قرآن، فصلنامه‌ی رواق اندیشه
- ۳- ملکیان، مصطفی، مشکلات دین داری در دنیای جدید، مجله‌ی بازتاب اندیشه، شماره ۳۵

۱-۶-۳-کتب:

- ۱-انصاری ، مهدی ، ۱۳۶۱ ، غروب مادّی گرایی ، قم ، انتشارات هادی ، چاپ اوّل
- ۲-علی اکبریان ، حسنعلی ، ۱۳۸۷ ، ارزش دنیا ، تهران ، کانون اندیشه جوان ، چاپ چهارم
- ۲-مطهری ، مرتضی ، ۱۳۸۹ ، علل گرانش به مادّی گری تهران ، انتشارات صدرا ، چاپ سی و دوم
- ۳-صادقی ، محمّد ، ۱۳۵۸ ، ماتریالیسم و متافیزیک ، قم انتشارات امید ، چاپ اوّل

۱-۷- بیان روش و مراحل انجام کار

این پژوهش براساس هدف ، بنیادی است و در واقع درصدد ریشه‌یابی، تعدیل ، تأیید ، نقد و انکار برخی نظریه‌ها و در نهایت دست یافتن به اصول و قواعد مسأله می باشد. بنابراین برای دست‌یابی به اطلاعات لازم برای تجزیه و تحلیل ، تحقیقی کتابخانه‌ای است که به جمع‌آوری اطلاعات از منابع مرتبط یعنی کتاب‌ها ، پایان‌نامه‌ها ، مقاله‌ها ، سایت‌های اینترنتی و نرم‌افزارها پرداخته می‌شود ؛ که برای بررسی منابع مربوط به موضوع پژوهش (ریشه‌های مادّی گرایی در قرآن و روایات) و ارزیابی آن و با گزینش محتوی مرتبط با موضوع پژوهش ، در مسیر پاسخ به اهداف و سؤالات پژوهشی اقدام شد که این کار با نگاه سنجش ، به اهداف و پرسش‌های تحقیق پاسخ می‌دهد و اطلاعات جمع‌آوری شده با ارائه به مبنا ، یعنی قرآن و روایات مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد تا نتایج مطلوب حاصل شود.

۱-۸- معنای لغوی و کاربردی واژگان

۱-۸-۱- معنای لغوی

مادّه: ۱- اصل هر چیز ، مایه ۲- الف: جوهری است جسمانی که تحقق و فعلیت آن به صورت و محلّ توارد صور متعاقبه می‌باشد. ب- امری را که قابل تبدیل به چیز دیگر باشد مادّه گویند. مانند آب که مادّه‌ی هواست . به اعتبار آن که قابل تبدیل به هواست. ج- اجزاء وجودی و ترکیب‌کننده و به وجود آورنده‌ی هر چیزی را مادّه گویند. د- هیولای اولای اجسام را گویند که در همه‌ی اجسام می‌باشد و محلّ توارد و تعاقب صور است. (معین ، ۱۳۷۱ ، ج ۳ ، ص. ۳۶۸۴ دهخدا ، ۱۳۷۷ ، ج ۱۳ ، ص. ۱۹۹۳۲)

مادّی: منسوب به مادّه ۱- چیزی که مربوط به مادّه است امور مادّی ۲- آنچه که مربوط به پول و اقتصاد است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص. ۱۹۹۳۳ معین، ۱۳۷۱، ج ۳، ص. ۳۶۸۶)

مادّی: موجود مادّی در قبال موجود روحی، مجردات را موجودات عقلی و روحی گویند و اجسام و جسمانیات را موجودات مادّی می گویند. گاه مراد از مادّی آن کس است که قائل به اصالت ماده باشد و مادّه را اصل و اساس جهان آفرینش داند و نیروی مافوق طبیعت و خدای عالم را منکر باشد و جهان و حوادث آن را منسوب به مادّه کند که پیروان این مسلک را مادّیون گویند. (حسینی دشتی، ۱۳۷۶، ج ۹، ص. ۱۴؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص. ۱۹۹۳۴)

مادیات: هر چیزی که مادّه باشد از جسم و جسمانیات مقابل معنویات و مجردات (حسینی دشتی، ۱۳۷۶، ج ۹، ص. ۱۴)

دهر: زمان، چنان که در صحاح گفته است. ابن اثیر و اقرب الموارد آن را زمان طویل گفته اند. مجمع گذشتن شب و روز را که همان زمان باشد معنی کرد. ناگفته نماند دهر را زمان مطلق معنی کردن بهتر است. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص. ۳۶۳)

دهر در اصل به مدّت زمان عالم از اوّل تا آخر گفته می شود براساس آیه «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ» آیا (چنین نیست که) زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود! (انسان/۱) پس از آن زمان طولانی بدون توجه به مدّت آن تعبیر شد. و زمان به مدّت طولانی و کوتاه اطلاق می شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص. ۳۱۹) از این واژه به اسماء الحسنی و زمان نامتناهی ازلاً و ابداً نیز تعبیر شده است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۸، ص. ۱۱۳۰۶، معین، ۱۳۷۱، ج ۲، ص. ۱۵۸۵)

دهری: آن که قائل به قدم دهر یا زمان باشد و حوادث را مستند به دهر بداند کسی که وجود خدا را انکار کند؛ ملحد، طبیعی (معین، ۱۳۷۱، ج ۲، ص. ۱۵۸۵)

دهری به کسانی که می گویند خدا و بهشت و جهنمی وجود ندارد و ما را جز روزگار هلاک نمی کند و آن دینی است که بدون دلیل محکمی و فقط به خاطر خوشایندی خودشان برگزیدند. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص. ۳۰۵)

زندیق: این کلمه که جمع آن زنداقه می باشد در لغت نامه ی دهخدا بدین صورت ترجمه شده است: گروهی است از مجوس که خدای را دو گویند یا قائل به نور و ظلمت اند یعنی نور را مبدأ خیرات و ظلمت را مبدأ شرور می دانند.

هم چنین آمده است این کلمه از زند گرفته شده و آن کتابی است به پهلوی از زرتشت مجوس؛ یا آن که به آخرت و به ربوبیت ایمان ندارد؛ آن که ایمان به حق تعالی و آخرت نداشته باشد.

زندیقی: مأخوذ از تازی ، الحاد و کفر و بی‌دینی صفت نسبی ملحد و کافر و بی‌دین ، هر کس که امور را از از فلک و کواکب داند...زندیقی و دهری شود و جای وی در دوزخ بود. (دهخدا ، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۹۸ و ۴۹۹)

ماتریالیسم : واژه‌ی فرانسوی است ؛ نظریه و مکتب فلسفی است که دنیای خارج را واقعی و حقیقی و بیرون از شعور انسان می‌داند ماتریالیسم معتقد است که ماده ، مبدأ و اساس است و حس و شعور و تفکر ، فرع و زائیده و درک خاصیت ماده تکامل یافته و عالی و انعکاس خارجی جهان مادی و قوانین آن در مغز می باشد. (دهخدا ، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۱۹۹۱۷)

«ماتریال» در زبان فرانسه به معنی «ماده» و ایسم معرفت مکتب و مسلک است بنا براین «ماتریالیسم» روی هم رفته به معنی «مادیگری» است. (مکارم شیرازی ، ۱۳۳۳، ص ۳۰۸)

۱-۸-۲- معنای اصطلاحی

۱-۸-۲-۱- مادی‌گرایی در اصطلاح عام

گرایش انسان به مادیات و اصل قرار گرفتن آن‌ها در زندگی به طوری که بیشترین زمان عمر مصروف امور مادی گردد ؛ معنایی است که با شنیدن لفظ مادی‌گرایی به ذهن اغلب انسان‌های جامعه‌ی ما متبادر می‌شود ، که دارای بار نسبتاً مذمومی هم می‌باشد و برخی نیز مایل نیستند به آن متصف گردند.

قرآن پژوهان نیز درباره‌ی مادی‌گرایی تعاریفی دارند که این تعریف حسینی دشتی را می‌توان برای مادی‌گرایی در اصطلاح عام در نظر گرفت ؛ ایشان در تعریفی تعلق بشر به مادیات و دل‌باختگی او به مال و منال را که پیوسته این بیماری مهلک دامن‌گیر این نسل بوده و او را از معنویات و اموری که به سرنوشت ابدی او بستگی داشته روی گردان می‌ساخته است ؛ را مادی‌گرایی عنوان کرده است. (حسینی دشتی ، ۱۳۷۶، ج ۹ ، ص ۱۴)

می‌توان برداشت ابتدایی از واژه‌ی مادی‌گرایی را مبنای تعریفی دیگر از این موضوع قرار داد زیرا این واژه‌ی مرکب از دو واژه‌ی «ماده» و «گرایی» ساخته شده است ؛ که به صورت مستقل و صرف نظر از هر گونه استفاده در طول زمان به معنای تمایل و گرایش به امور مادی می‌باشد.

۱-۸-۲-۲- مادّی‌گرایی در اصطلاح علمای تفسیر

« وَ قَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَ مَا لَهُمْ بِدَلِكِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ »

[آن‌ها گفتند: چیزی جز همین زندگی دنیا در کار نیست، گروهی از ما می‌میرند و گروهی جای آن‌ها را می‌گیرند، و جز طبیعت و روزگار ما را هلاک نمی‌کند، آن‌ها به این سخن که می‌گویند یقین ندارند، بلکه تنها گمان بی‌پایه‌ای دارند.] (جائیه ۲۴)

مفسران غالباً در ذیل آیه‌ی فوق و به مناسبت همین کلمه‌ی «دهر» به این موضوع پرداختند. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۵، ص ۹۱)

چنان‌چه یکی از مفسران در ذیل همین آیه می‌گوید: یک دسته کفار بلکه اکثریت آن‌ها دهری مذهب هستند ماوراء حس موجودی قائل نیستند و می‌گویند: هر چه وجود پیدا کند باید محسوس باشد نه خدایی قائلند و نه ملکی و نه جنّی و نه عقل مجردی و نه روح ملکوتی و نه بهشتی و نه جهنمی و نه حسابی و نه کتابی و نه پیغمبری و نه امامی و نه دینی و نه شریعتی و نه بعثی و نه قیامتی آن‌ها می‌گویند دنیا همین است که طبیعت اقتضاء می‌کند؛ به دنیا بیایم و برویم؛ هست و نیست شویم. این‌ها را طبیعی مذهب و لا مذهب و دهری مذهب می‌گویند. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۱۲۳)

طبرسی ذیل همین آیه‌ی ۲۴ سوره‌ی جائیه آورده است: «در حدیث از پیامبر خدا (ص) روایت شده است که فرموده‌اند: «به روزگار بد نگوئید، زیرا روزگار همان خداوند است».

تأویل این حدیث چنین است که مردم دوران جاهلیت حوادث مهمّ و بلاهای وارده را همیشه به دهر و روزگار نسبت می‌دادند، و می‌گفتند روزگار چنین کرد، و به روزگار دشنام می‌دادند، لذا حضرت رسول (ص) به آنان فرمود: «این کارها را خدا انجام می‌دهد به فاعل این اعمال ناسزا نگوئید.» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۲، ص ۳۶۲)

دهرین گاه در حوادث تلخ و ناگوار به دهر بدگویی می‌کردند و آن را سب و دشنام می‌دادند و عجب این که بقایای آن نیز در ادبیات امروز دیده می‌شود که بعضی از شاعران خداپرست به دهر غدار و چرخ کج مدار بد می‌گویند و بر روزگار نفرین می‌فرستند که چرا چنین و چنان کرده است.

هم‌چنین به تفسیر عقاید دهریین که اعتقاد به فاعلیت حوادث برای دهر و روزگار قائل بودند و گردش افلاک و اوضاع کواکب را دلیل حوادث می‌دانستند پرداختند و به از میان رفتن تدریجی این اعتقادات خرافی با گذشت زمان اشاره کردند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۱، صص ۲۶۹-۲۷۱)

در تفاسیر صافی و قمی آمده است: این آیه (جائیه/۲۴) درباره‌ی دهریون نازل شده است و درباره‌ی کسانی که بعد از رسول خدا (ص) با امیرالمؤمنین (ع) و اهل بیتش آن‌گونه رفتار کردند نیز صادق است؛

به درستی که ایمان آن‌ها تنها اقرار به زبان، بدون تصدیق بود و علت آن ترس از شمشیر و رغبت در مال بود. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۷، قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۹۵)

مادّی‌گرایی با الفاظ دیگری مانند دنیاطلبی، حبّ دنیا، علاقه به دنیا و شهوات نیز در تفاسیر مورد بحث قرار گرفته است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۵۳، حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۵۳، جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۵۹۰ و ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۵۴۲)

البته پیرامون مادّی‌گرایی به مفهوم عامّ آن آیات متعدّدی در قرآن کریم وجود دارد و مفسران نیز به آن‌ها پرداخته‌اند که در خلال بحث به آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۸-۲-۳- مادّی‌گرایی در اصطلاح علمای اخلاق

باتوجه به نقش برجسته‌ای که مادّی‌گرایی در ابتلای انسان به رذایل اخلاقی دارد و منشأ همه‌ی خطایای بشر شمرده شده است؛ علمای اخلاق به صورت گسترده به ابعاد مختلف و تبعات دنیوی و اخروی آن پرداخته‌اند. برخی از مادّی‌گرایی با الفاظی از قبیل تعلق قلب و محبّت دنیا تعبیر کرده‌اند. (خمینی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۱، مصباح یزدی، ۱۳۸۰ الف، ص ۲۹۲)

برخی نیز از زاویه‌ای دیگر- که برگرفته از غرایز طبیعی می‌باشد و از آن به طبیعت نفسانی و استعدادهای فطری تعبیر کرده‌اند - این موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند. (مهدوی کنی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۴، مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۸۸، الف، ص ۲۸۷، مطهری، ۱۳۸۳، ص ۴۲)

هم‌چنین در ذیل دنیا طلبی و آفاتی از قبیل حرص، طمع، بخل و سایر رذایل اخلاقی که از این رهگذر گریبانگیر انسان می‌شود و هم‌چنین دنیای مذموم و شقاوت ناشی از اشتغال به آن و جاذبه‌ها و امکانات مادّی و شهوانی و در مقابل آن، دنیای ممدوح و سعادت‌ی که از برخورد و استفاده‌ی صحیح از آن تحصیل می‌شود و به فضایل اخلاقی چون مناعت طبع، قناعت، زهد، انفاق و ایثار می‌انجامد به مفهوم مادّی‌گرایی پرداخته شده است. (غزالی، ۱۳۶۸، ص ۵۰۰، مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۸۰، مهدوی کنی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۸)

۱-۸-۲-۴- مادّی‌گرایی در اصطلاح فلاسفه

ماتریالیسم یا مادّی‌گرایی در اصطلاح فلاسفه که نوعی مادّی‌گرایی مکتبی محسوب می‌شود به معنای اصالت ماده است و این که روح و معنا جز خصلتی از ماده و جز یک امر تابع و طفیلی از ماده در طبیعت

چیز دیگری نیست که این تئوری فلسفی آن‌هاست و طبق این نظریه ، وجدان هر کسی انعکاسی از وضع زندگی مادی او می‌باشد . (مطهری ، ۱۳۷۰، ص.۸۲)

البته مادی‌ها شعبی دارند که یک شعبه آن مادی‌گری کمونیستی است . از دیدگاه این مکتب همه چیز را از دریچه‌ی ماده می‌نگرند . به خدا و مسائل معنوی ایمان ندارند ؛ اصالت را برای اقتصاد قائل هستند ؛ و برای تاریخ نیز ماهیت مادی قائل می‌باشند. (مکارم شیرازی ، ۱۳۷۷، ص.۶۳)

همچنین به طوری که در نظریه‌ی مارکس آمده رشد نظام سرمایه‌داری نتیجه‌ی جبری عوامل مادی و تکامل ابزار تولید معرفی شده است. (حکیمی ، ۱۳۸۰، ج ۳ ، ص.۵۷۰)

اصالت بخشی به ماده و این که موجود غیر مادی اندیشه و پنداری بیش نیست و توجیه این نظریه با استدلال بر تجربه ناپذیری و نیافتن را گواه بر نبودن دانستن ، شالوده‌ی تفکر آنان می‌باشد . هرچند تکیه آنان بر تجربه پذیری موجب اشتباه آنان در جهان بینی فلسفی با جهان بینی علمی شده است ؛ چرا که ابزار جهان بینی فلسفی وسیع تر از تجربه و آزمایش است. (سبحانی ، بی‌تا، ص.۲۴)

در کتب روایی نیز گاه اشارات فلسفی به مادی‌گرایی به چشم می‌خورد ؛ چنان که در وصف دهریه آمده است ، آنها همان طبیعیون هستند و فاعل و علت تغییرات را طبیعت می‌دانند. (کلینی ، ۱۳۷۵، ج ۱ ، ص.۹۵)

به طور کلی می‌توان گفت بخش عمده‌ی مادی‌گرایی رایج در اصطلاح فلاسفه ، مادی‌گرایی است که از مکتب مارکس سرچشمه گرفته است که آن هم از چهار بخش تشکیل می‌گردد. اول: بخش فلسفی که «مادیت فلسفی» یا «مادیت جدالی» (ماتریالیسم دیالکتیک) نامیده می‌شود. دوم: بخش فلسفه‌ی تاریخی و جامعه شناسی که «مادیت تاریخی» نام دارد. سوم: بخش اقتصادی که «اقتصاد سیاسی مارکسیستی» خوانده می‌شود. و چهارم: بخش سیاسی که از آغاز سال ۱۹۶۲ رسماً عنوان «کمونیسم علمی» دارد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، د، ص.۲۷۵)

با توجه به آثار صاحب نظران تفکر مخصوص و اقوال مشترک مادی‌گرایان مکتبی در مسائل عمده‌ی فلسفه را نیز می‌توان در پنج دسته تقسیم بندی کرد .

الف: به جز از ماده چیزی وجود ندارد. وجود در ماده و مادیات ، یعنی آثار و خواص ماده منحصر است و هر وجودی به وجود خارجی مادی که حواس ما توانایی ادراک آن و علم ما توانایی توصیف ، توضیح ، تبیین و تفسیر آن را داشته باشد ؛ باز می‌گردد.

ب: ماده امری اولی و اصلی است و فکر یا شعور امری ثانوی و فرعی است ، یعنی امری است که تابع طبیعت است. به عبارت دیگر ، ماده واقعیت اصلی‌ای است که فکر ، از آن اشتقاق می‌یابد ؛ و فکر یا شعور انعکاسی از ماده است. پس ماده بر فکر تقدم یا تفوق دارد. زیرا فقط ماده است که وجود جوهری دارد و فکر جز صفتی از آن ، نیست.

ج: روح وجود ندارد یا به عبارتی بهتر، روح موجودی جوهری و ماوراءالطبیعی نیست، بلکه خاصیتی از ماده است که در آخرین مراحل سیر ماده به ظهور می‌رسد.

د: خدا وجود ندارد، خدا وجودی قائم به ذات نیست، بلکه تصویری ناشی از فکر انسانی است؛ پس خدا خالق عالم و آدم نیست، بلکه انسان خالق خداست و خدا، جز پنداری که ذهن انسان آن را ساخته و پرداخته نیست.

ه: باید تبیین علمی جهان را جانشین توجیه فلسفی آن کرد علوم مبتنی بر قول به اصالت ماده هستند، پس بینش فلسفی محض بی ارزش است. (همان، ص. ۲۷۶)

مادّی‌گرایی در اصطلاح فلاسفه همان « ماتریالیسم » است که کلیه‌ی افکار فلسفی و تئوری‌های علمی حتّی روحیات و عادات اشخاص و خلاصه تمام تحولات اجتماعی و فکری را مولود محیط مادّی و وضع اقتصادی و دستگاه‌های تولید می‌داند که در این صورت باید فلسفه‌ی « ماتریالیسم » هم که محصول یک مکتب خاصّ فلسفی است را به نوبه‌ی خود مولود وضع محیط و کیفیت اقتصادی و شرایط مادّی معینی بدانیم که به تعبیر نویسنده این خود انتحار « ماتریالیسم » است. (مکارم شیرازی، ۱۳۳۳، صص. ۷۳ و ۷۴)

۱-۹- سابقه‌ی تاریخی مادّی‌گرایی

گرایش به امور مادّی به علّت منافع و مصالحی که دارد؛ همواره برای انسان مطرح بوده است؛ زیرا رفع نیازهای اولیه انسان از قبیل خوراک، پوشاک، و مسکن و حتّی نیازهای ثانویه‌ای چون شهرت طلبی، کمال خواهی و عزّت طلبی او نیز از همین گرایش‌ها سرچشمه می‌گیرد و ریشه در ذات و طبع انسان دارد. چنان که مفسران گفته‌اند؛ صانع حکیم از طریق دستگاه آفرینش آن را در نهاد و خلقت آدمی قرار داده - است تا نسل او رشد و تداوم داشته باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص. ۱۴۸، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص. ۴۵۷)

اولین شخص برجسته‌ای که این مذهب را به او نسبت داده‌اند « طالس ملطی » است که در اوائل قرن هفتم و اواخر قرن ششم قبل از میلاد می‌زیسته است که او آب را ماده‌ی مواد تمام عناصر می‌پنداشت و پس از وی عدّه‌ای از شاگردانش عقائد او را با اختلافاتی دنبال می‌کردند؛ این عدّه را اگر چه مادّی‌ها، از موافقین خود قلمداد کردند ولی پس از مطالعه و دقّت در تاریخ فلسفه روشن می‌شود که هیچ یک مادّی (به معنی که مادّیین امروزی می‌گویند) نبوده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۳، ص. ۳۲۹)

البته نویسنده این مطلب را در ردّ ادّعاهای مادّی‌ها مبنی بر این که شخصیت‌هایی را به اشتباه مادّی محض به حساب آوردند؛ بیان کردند حال آن‌که در جایی دیگر تلویحاً به این که قدمت این تفکر به تمدّن یونان قبل از میلاد برمی‌گردد ادّعان دارند. (همان، ص. ۵۷)